

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء
سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۸، پیاپی ۹۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

نگرشی تحلیلی بر داده‌های آماری و عددی در منابع تاریخ نگاری دوره‌ی صفویه

عبدالله متولی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱۸

تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۳۱

چکیده

بیشتر منابع تاریخی در لابه‌لای مطالب خود وجهی از اعداد و ارقام را مورد توجه قرار داده‌اند. منابع تاریخ نگاری دوره‌ی صفویه نیز به دور از این سنت تاریخی نبوده‌اند. این نوشتار از دو منظر به ویژگی‌های آمار و ارقام منابع دوره‌ی صفویه متمرکز شده است؛ یک منظر آن سلبی و دیگر ایجابی است که البته ممکن است چشم‌انداز متضادی را بروز دهد. البته هدف این نوشتار ارائه‌ی این تضاد نیست، بلکه در وجه سلبی در پی بیان آسیب‌ها و ضعف‌های سنتی منابع این دوره به تبعیت از گذشته است و در جنبه‌ی ایجابی به دنبال ارائه‌ی برخی شاخصه‌ها است که رعایت آن‌ها توسط مورخان این دوره، گونه‌ای از مستندنگاری تاریخی را نشان می‌دهد. بر این اساس دو سؤال اصلی مطرح می‌شود؛ یکی اینکه منابع دوره‌ی صفویه در ارائه‌ی آمار و ارقام دچار چه نقایصی هستند؟ دوم اینکه این منابع برای واقعی نشان دادن ارقام خود از چه فنونی بهره برده‌اند؟ در پاسخ به سؤالات

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک a-motevally@araku.ac.ir

مذکور، ضمن گونه‌شناسی آمارهای کاربردی در منابع، به تأثیر برخی ناهنجاری‌های سنتی، اعم از تداوم جلوه‌های اغراق‌آمیز در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری و فقدان درک جنبه‌های کاربردی علم آمار پرداخته شده و چشم‌اندازی از تلاش مورخان برای واقعی کردن اعداد ارائه شده، عرضه می‌گردد.

واژگان کلیدی: اعداد و ارقام، صفویه، اغراق، تاریخ‌نگاری، آمار.

مقدمه

بهره‌گیری از اعداد و ارقام در سیر حیات بشری امری طبیعی و پر دامنه به شمار می‌رود. عرصه‌ی به‌کارگیری اعداد، بسیار وسیع بود و با اهداف متعدد و متنوع صورت می‌گرفت. با این حال به رغم تکیه کردن بشر بر کاربری الزامی ارقام در تعیین موقعیت‌های مختلف زندگی، باید به این نکته نیز اقرار کرد که به دلیل ساده بودن زندگی انسانی، دامنه‌ی کاربرد اعداد نیز به فراخور این سادگی بدون پیچیدگی بوده است. آنچه امروزه از علم آمار و اعداد و ارقام به دست می‌آید و ممکن است با تکیه بر این ارقام سیر حیات اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری در معرض تغییر و تحول آگاهانه قرار بگیرد، نمی‌تواند به عنوان یک مبنا در گذر تاریخ انسانی مورد تأکید قرار گیرد و نمی‌توان انتظارات فعلی را از دانش آماری و علم اعداد و ارقام در گذشته داشت؛ به بیان دیگر باید دانش آماری جوامع انسانی را متناسب با شرایط کلی دانش بشر در همان زمان بررسی و ارزیابی کرد و بر همین اساس نوع و میزان توجه این جوامع را به ارقام و مسائل آماری درک کرد. مطالعه و جست‌وجو در خصوص کاربرد اعداد نشان می‌دهد که منابع در جنبه‌هایی خاص بر اساس میزان نیاز و نوع بهره‌وری، توجه بیشتری به برخی اعداد آماری داشته‌اند و دامنه‌ی استفاده از اعداد و ارقام وسعت بیشتری داشته است. البته موارد دیگری نیز وجود دارند که منابع و مراجع به آرامی از کنار مسائل عبور کرده‌اند و نویسنده بی‌توجه به لزوم ثبت و ضبط برخی ارقام، تحت تأثیر شرایط زمانه یا به دلیل بی‌توجهی، ذکری از آمار مرتبط با مسائل تاریخی به میان نمی‌آورد یا با یک گفتار

مبهم و کلی به سادگی راه فراری برای خود یافته است. باید اعتراف کرد همان‌گونه که آمار و ارقام بخشی از واقعیت‌های موجود جامعه‌ی فعلی را تشکیل می‌دهند، جوامع پیشین نیز به تناسب، به این اعداد و ارقام وابستگی داشته‌اند و این مسئله بخشی از واقعیت‌های روزمره‌ی آن‌ها را شکل می‌داد. آنچه در این پژوهش مورد توجه و پیگیری خواهد بود، به فراخور مقدمه‌ی ذکر شده، بررسی و تحلیل و توصیف ویژگی‌های اعداد و ارقام کاربردی در منابع تاریخ‌نگاری دوره‌ی صفویه است. به لحاظ انسجام سیاسی طولانی مدت جامعه‌ی ایران در این دوران و تعدد و تکثر منابع تاریخی در دسترس، به نظر می‌رسد مقطع ذکر شده الگوی مناسبی برای درک و دریافت علت و چگونگی بهره‌گیری منابع از اعداد و ارقام باشد. رویکرد اصلی مقاله، ارائه‌ی تصویری از میزان تمرکز منابع این دوره بر گونه‌های خاص آمارنگاری است که ضمن توصیف و تحلیل این نقطه‌ی تمرکز، علت و آسیب‌های احتمالی این رقم‌نگاری‌ها را در معرض دید قرار خواهد داد. فرضیات پیش رو در این نوشتار حاکی از این نکات هستند که اعداد و ارقام کاربردی در منابع این دوره در موضوعات خاص از فراوانی بیشتری برخوردارند. هرچند برخی کاستی‌ها و نقایص سنتی تاریخ‌نویسی در منابع این دوره همچنان مجال خودنمایی دارند، چشم‌اندازهای قابل اعتمادی را در این زمینه می‌توان ارائه داد. از آنجا که موضوع آمار در زمره‌ی مطالب تاریخ اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود و داده‌های منابع در این خصوص ضعیف و کم‌مایه هستند، محققان به این عرصه کمتر توجه کرده‌اند. بر این اساس به عنوان پیشینه‌ی پژوهش، نوشته‌ای منحصر به دوره‌ی صفویه و با زمینه‌ی تخصصی مورد اشاره، دیده نشد.

گونه‌شناسی اعداد و ارقام

گرچه در مطالعه و بررسی منابع تاریخ‌نگاری دوره‌ی صفویه نمی‌توان به شکل منضبط و مبتنی بر چارچوب یا الگوی قاعده‌مند به یک مدل خاص از توجه و تمرکز بر اعداد و ارقام کاربردی دست یافت، اما می‌توان گفت که بیشتر منابع این دوره به مناسبت‌های مختلف، وجهی از توجه و تمرکز بر اعداد و ارقام را داشته‌اند. فراوانی این اعداد و ارقام در نزد این منابع از روند یکسانی برخوردار نیست و گاه متناسب با روحیات و خصلت‌های مورخ، تفاوت‌های بارزی را می‌توان در حجم و

تنوع اعداد و ارقام کاربردی پیدا کرد. با وجود این ناهمگونی‌ها که احتمالاً نتیجه‌ی شرایط جامعه و ویژگی‌های روحی نویسندگان این دوره بوده است، می‌توان مدلی را ارائه کرد که به نظر می‌رسد بر اساس آن، گونه‌هایی از اعداد و ارقام در این منابع با اشکال منظم‌تر و فراوانی بیشتری مورد بهره‌برداری و تمرکز بوده‌اند. در حقیقت جلوه‌های پرکاربرد عدد و رقمی در منابع این دوره را در مواردی که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، می‌توان دریافت. به نظر می‌رسد رقم‌نویسی‌های نظامی در میان سایر الگوهای عددی از کاربرد و فراوانی بیشتری در منابع برخوردار بوده است. تقریباً هیچ یک از منابع این دوره در توضیح و توصیف حوادث روزمره‌ی سلطنتی از ذکر اعداد و ارقام مرتبط با کارکردهای نظامی به دور نبوده‌اند. هر چند در این زمینه نمی‌توان الگوی واحد و یکنواختی ارائه کرد، اما حساسیت آن‌ها را نسبت به آمارنویسی در این زمینه آشکارا می‌توان دریافت. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده‌ی این رویکرد به مقوله‌ی اعداد و ارقام، به خصلت‌های عمومی حکومت صفویان بازمی‌گردد. شکل‌گیری و تداوم حکومت صفویان به طور عمده بر اقدامات و تدارکات پیوسته و فراگیر نظامی در عرصه‌های داخلی و رویارویی با تهاجمات خارجی متکی بود، به همین دلیل عرصه‌های نبرد از عمده جایگاه‌هایی محسوب می‌شدند که نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی قبلی داشتند. تلاش برای موفقیت و پیروزی در میدان نبرد نیازمند اطلاعات آماری مطلوب از داشته‌های نفری و تدارکاتی خودی و دشمن بود، بنابر این دستیابی به ارقام نسبتاً دقیق، مشوق مناسبی بود که سبب می‌شد که به هر شکل ممکن اعداد و ارقام در این زمینه استخراج شوند. به تناسب این نیاز، مورخان نیز می‌توانستند در خصوص ذکر ارقام و اعداد نظامی ورود بیشتری داشته باشند و پیامد طبیعی این موضوع، افزونی عددنویسی‌های نظامی در منابع بوده است. البته این نکته را نباید فراموش کرد که در خصوص همین مسئله نیز رویکردهای نسبتاً متفاوتی وجود داشته است. در برخی موارد توجه و تمرکز بر اعداد بزرگ و پر حجم تا رقم‌های بسیار کوچک نیز از دیدرس مورخان پنهان نمانده است؛ اما در مواردی دیده می‌شود که از بیان رقم‌های کوچک و کم‌اهمیت طفره رفته‌اند و علاقه‌ای به بیان این شکل از اعداد نداشته‌اند. در کنار پر حجم بودن عددنگاری‌های نظامی، گاه منابع در ذکر اعداد و ارقام جدیت و تمرکز بیشتری از خود نشان داده‌اند. توصیف شکارهای شاهانه و بیان تعداد شکارهایی که در یک روز یا در

مدت زمانی خاص حاصل می‌شد، از دل مشغولی‌های دیگر مورخان دوره‌ی صفویه بوده است. هرچند ظواهر امر نشان می‌دهد که این الگو در تمامی منابع قابل رصد کردن نیست، اما فراوانی آن در بیشتر منابع نیمه‌ی اول حکومت صفویه، به خصوص در پیوند با شکارهای شاه اسماعیل و شاه عباس دیده می‌شود. البته در دوره‌های دیگر نیز به صورت محدود مواردی وجود دارند که اتفاقاً به شماره کردن تعداد شکار نیز توجه دارند؛ برای مثال در موردی که به شکار شاه صفی اشاره دارد آمده است: «... (بعد از) انجام مراسم صیدافکنی... چون امیرشکار باشی به شمار صید مأمور گردیده بود... بعد از شمار عدد آن به شش هزار رسید» (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۳۶). ویژگی این گونه رقم‌نگاری‌ها نه مبتنی بر یک نیاز بود و نه ارتباطی با چارچوب‌های اجرایی کشور داشت، بلکه وجه تفننی آن عامل مؤثری بر ثبت و ضبط اعداد و ارقام بود. از آنجا که تمرکز اصلی شکار بر توصیف عملکرد شاهانه متکی بود، خوشامد شاهان و بیان ویژگی‌ها و توانمندی‌های آنان نقش اصلی در شکل‌گیری و بیان اعداد و ارقام در منابع داشت.

ذکر برخی از رقم‌های مالی، هر چند دور از یک شیوه‌ی نظام‌مند، از موارد دیگری است که به تناوب در منابع این دوره دیده می‌شود. هر چند آمارهای مالی را می‌توان از اصلی‌ترین مواردی دانست که باید ثبت و ضبط شوند و از طرفی این تمرکز باید با دقت و انضباط خاصی همراه باشد، اما چنین خصلتی را در مورخان این دوره نمی‌توان یافت. در جست‌وجوی داده‌های منابع تاریخی این زمان تنها با اطلاعات پراکنده‌ای درباره‌ی میزان تعیین مالیات‌ها یا بخشش‌های شاهانه و جرایمی که برای مجازات کارگزاران حکومتی در نظر گرفته شده‌اند مواجه می‌شویم (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۰؛ سوانح‌نگار تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۷). با وجود اهمیت و لزوم ثبت و ضبط رقم‌های مالی و مالیاتی، کم‌توجهی منابع، ناشی از موضوعیت کار آن‌ها بوده است. قطعاً کارگزاران امور مالی دوره‌ی صفویه با توجه به گستردگی حوزه‌ی امور اداری و مالی این حکومت، نقش مهمی در دفترنویسی مسائل مالی داشته‌اند، بنابراین توجه به آمار و ارقام مالی چندان مورد نظر و در اولویت توجه مورخان نبوده است و مواردی را که در برخی مسائل مالی پوشش می‌دادند مبتنی بر برخی شرایط پیش آمده بود و تنها به شکل انتزاعی به ذکر این اعداد و ارقام می‌پرداختند، در نتیجه برنامه‌ی هدفمندی درباره‌ی توصیف دقیق و ذکر جزئیات امور مالی نداشتند. برای نمونه به

مواردی می‌توان اشاره کرد که مخارج یک شهر یا ولایت مشخص شده است تا امور آن منطقه از این مبلغ کارسازی شود (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۲۶؛ جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۲۳۱).

وجه دیگری از آمارنویسی منابع که می‌توان در خلال برخی از نوشته‌ها به آن دست یافت، عدد و رقم‌های مربوط به بلایای طبیعی نظیر سیل، زلزله و بیماری‌های فراگیر است. میزان توجه و تمرکز منابع بر این موضوع در تناسب با موارد پیش‌گفته بسیار محدودتر است. هر چند به نظر می‌رسد در شرایط نظامی و اقتصادی اجتماعی آن ایام موارد متعددی از بروز و وقوع این حوادث قابل رصد کردن باشد، اما ظاهراً دور بودن حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی از قلم مورخان و فاصله داشتن از اهداف اصلی آن‌ها که بیشتر از زیرساخت‌های سیاسی و نظامی تبعیت می‌کردند، عوامل مهمی برای این بی‌توجهی به شمار می‌روند. با این حال مواردی را می‌توان یافت که برخی از نویسندگان نسبت به ذکر این ارقام، اندک توجه و حساسیتی از خود نشان داده‌اند و با عدد و رقم از فراوانی تلفات یاد کرده‌اند؛ برای مثال واله اصفهانی درباره‌ی تعداد تلفات زلزله‌ی تبریز در سال ۱۰۴۹ نوشته است: «...دوازده هزار کس از زن و مرد و خرد و بزرگ و پیر و جوان سر در مگاک خاک کشیدند (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳۰۲).

به جز موارد بالا که می‌توان گفت آمارهای قید شده در منابع، بیشتر حول این محورها هستند، موارد دیگری را می‌توان یافت که به صورت مقطعی و مبتنی بر برخی شرایط در معرض توجه و ثبت نویسندگان قرار گرفته‌اند. ذکر مسافت‌ها، به‌ویژه در مواردی که شاه نسبت به آن‌ها حساسیت داشته است، در نمونه‌هایی از آثار مورخان این دوره قابل دستیابی است؛ برای مثال، فاصله‌ی بین اصفهان تا مشهد که به دستور شاه عباس و توسط ملاجلال منجم به دقت اندازه‌گیری و ثبت شد (منجم، ۱۳۶۶: ۲۰۶). بیان تعداد خانواده‌های یک شهر یا روستا (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۸۲ و ۴۷۸؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۲۹؛ جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۱۹۶) ذکر برخی اوزان و... نیز از نگاه برخی از مورخان این روزگاران دور نبوده است.

عوامل مؤثر در غیر واقعی نمایاندن اعداد و ارقام

۱- تبعیت از سنت سلف تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری دوره‌ی صفویه در یک نگرش کلی، تداوم میراث تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی است، بر همین اساس باید عمده‌ی رویکردهای این شیوه از تاریخ‌نگاری را با اصول، مبانی و چارچوب‌های مطروحه در شیوه‌ی تاریخ‌نگاری اسلامی جست. یکی از معایب مهم در منابع عمده‌ی تاریخ اسلام سهل‌انگاری یا بی‌توجهی در ارائه‌ی آمار و ارقام، به‌ویژه در زمینه‌ی تعداد سپاهیان خودی و دشمن و تلفات ناشی از جنگ است. این سنت به اندازه‌ای در منابع آشکار بود که ابن‌خلدون، به عنوان یک منتقد متقدم تاریخی، به سختی آن را در معرض ایراد قرار داد و آمارهای ارائه شده در منابع تاریخی را با تکیه بر واقعیات و شرایط جغرافیایی در معرض سنجش قرار داد و بر غیرواقعی بودن برخی از آن‌ها تاکید کرد. آنجا که برخی از منابع اصیل تاریخ‌نگاری اسلامی تعداد سپاهیان بن اسرائیل را فزون از ششصد هزار نفر ذکر کرده‌اند، او اعداد ارائه شده را با شرایط عینی تطبیق داد و در یک نتیجه‌گیری کلی آن را نادرست ارزیابی کرد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۵: ۱۴/۱). یعقوبی نیز ضمن ارائه‌ی عدد ششصد هزار نفر برای سپاهیان بنی‌اسرائیل، تعداد نیروهای تعقیب کننده را یک میلیون نفر ذکر می‌کند که همه‌ی آن‌ها در رود نیل غرق شدند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۸/۱). تاریخ بلعمی که به نوعی کوتاه شده‌ی تاریخ طبری تلقی می‌شود، به عنوان یکی از منابع تاریخ‌نویسی اسلامی، فارغ از این نقیصه نیست و در جایگاه‌هایی فارغ از بررسی ظرفیت‌های احتمالی، به برخی عدد و رقم‌ها اشاره کرده است؛ به عنوان نمونه درباره‌ی یکی از جنگ‌های ایران و توران می‌نویسد در یک روز ۵۶۰ هزار تن از سپاه توران کشته شدند (بلعمی، ۱۳۸۰: ۴۲۸). نگاه منتقدانه و رسوخ آن در گستره‌ی تاریخ‌نگاری اسلامی موفق نشد به طور کامل در هدایت مورخان به ریزینی و دقت در گزارش‌های آماری موفق و تاثیرگذار باشد، به همین دلیل باید گفت که منابع و نوشته‌هایی که بعد از ابن‌خلدون عرضه شدند همچنان در روایات خود، خواسته یا ناخواسته در ارائه‌ی اعداد و ارقام گاه با واقعیات فاصله جدی داشتند و در متون بعدی این مسئله، شاید با گستره‌ی محدودتری، همچنان به عنوان یکی از ضعف‌های بارز تاریخ‌نگاری، جایگاه خود را حفظ کرد. شاید بتوان گفت یکی از آفت‌های نسبی منابع تاریخ‌نگاری دوره‌ی صفویه نیز

گرفتار شدن در همین چارچوب سنتی بود. به نظر می‌رسد وجود الگوهای ثابت تاریخ‌نگاری و نحوه‌ی نگاه به تاریخ که نگرشی از فراز به فرود محسوب می‌شد، در کنار فقدان چارچوب‌ها و ضوابط تحول‌گرا در این زمان، عوامل مؤثری در تداوم این سنت، هر چند به صورت محدود در منابع این دوره بوده‌اند. کاربرد مکرر واژه‌های توصیفی برای تعداد سپاهیان، نمونه‌ی بارزی از تداوم این الگو در نزد منابع است؛ عباراتی نظیر «سپاهیان افزون‌تر از ریگ‌های بیابان» یا «سپاهیان بیشتر از قطرات امطار» و... از آن جمله‌اند (روملو، ۱۳۸۴: ۹۷۳). منشی قزوینی در توصیف تعداد سپاهیان سلطان سلیمان هنگام آخرین یورش به ایران می‌نویسد: «... در این دفعه لشکری به هم رسیده بود که اندیشه و خیال از حساب و شمار آن عاجز بود» (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۰۹).

نمود دیگر تداوم این روند را می‌توان در توصیف اعمال شاهانه و آمارهای متصل به آن دریافت. در این میان یکی از شاخصه‌های مشهود در منابع این دوره که به نظر می‌رسد افراط در عدد و رقم به شکل قابل توجهی در آن به کار رفته است، سرشماری و اعلام تعداد شکارهای شاهانه و تأکید بر جلوه‌های آماری آن بوده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به شکارهای شاه اسماعیل و شاه عباس اشاره کرد که به دفعات در منابع آمده‌اند. این تعداد کشتار و شکار، آن هم به دفعات در مکان‌های جغرافیایی که ظرفیت‌های غذایی آن‌ها چنین امکانی را فراهم نمی‌کرد، نمونه‌ی بارزی از عدم تطابق آمار با واقعیات و شواهد جغرافیایی و امکانات غذایی موجود است؛ به گونه‌ای که جنابدی از شکار شاه اسماعیل در ناحیه‌ی ساوه و فراهان یاد می‌کند که در یک نوبت ۴۵ هزار و در دو نوبت دیگر شانزده هزار و پانزده هزار رأس انواع حیوانات شکار شد (جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۵۳-۲۵۴). در **خلدبرین** نیز به این شکار اشاره شده است، اما نویسنده مسئولیت اعداد و ارقام را به عهده‌ی راوی نامشخص قرار می‌دهد: «... و در عرض دو ساعت بیست و شش هزار شکار به قتل رسید، بار دیگر در صحرای فراهان... چهل و پنج هزار آهو و دوازده هزار گور کشته شدند، پس از آن دو نوبت دیگر در حدود ساوه شکارافکن شدند، کرت اول شانزده هزار و نوبت ثانی پانزده هزار شکاری به قتل رسیدند» (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۲۰۸).

۲- فقدان نظام سرشماری دقیق و مطمئن

از لابه‌لای نوشته‌های دوره‌ی صفویه معلوم می‌شود که حداقل در خصوص آمارها و اعداد ارائه شده نمی‌توان به یک نظام سرشماری نهادینه شده دست یافت. در حقیقت برای اعداد و ارقام مربوط به سکنه و اقامت‌کنندگان در یک شهر یا روستا یا ایل، سازمان و نهادی متصدی موضوع شمارش نبوده است. چنانچه بتوان به وجود چنین نهادی در ساختار اداری پر عرض و طول صفویه دست یافت، حداقل انعکاسی از داده‌های جمعیتی و آماری این نهاد در منابع دیده نمی‌شود، به همین دلیل باید گفت در این زمینه بیشترین تمرکز همچنان بر سازمان نظامی بوده است و به دلیل اهمیت کاربردی نظامیان در بیشتر دوره‌ی صفویه، تلاش برای ثبت و ضبط اعداد و ارقام با جدیت بیشتری پیگیری شده است. با اتکا بر آنچه از گزارش‌های منابع برمی‌آید می‌توان گفت که الگوی اصلی برای دریافت آمار و ارقام سپاهیان، روش سان دیدن بوده است که گاه هنگام عزیمت به جنگ یا در زمان پایان یافتن جنگ و مرخص شدن سپاهیان صورت می‌گرفت. با توجه به کاربرد مکرر این شیوه و گزارش آن توسط منابع، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین راه ممکن برای آمارگیری بر این پایه استوار بود (فلور، ۱۳۸۸: ۱۸۰). یکی از بهترین توصیفات در مورد چگونگی آمارگیری از سپاهیان در مراسم سان، از قاضی احمد قمی است که گزارش داده است در سال ۹۳۶ قمری شاه تهماسب نیروهای خود را در برابر دیدگان سفرای ازبک سان دید و شماره کرد. نویسنده به صورت جزئی تعداد هریک از گروه‌ها و رسته‌ها را نوشته است و در نهایت تعداد کل سپاهیان را ۱۲۰ هزار سوار نامی ذکر می‌کند. (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۲۰۰-۲۰۵). البته در بیشتر منابع جزئیات دقیق این روش کمتر ذکر شده است و گاه به صورت کلی به موضوع سان و شمارش افراد اشاره کرده‌اند. کاربرد این روش آمارگیری در مواردی ممکن بود از دقت و صحت لازم و کافی برخوردار نباشد و آماری که نتیجه‌ی عملیات سان دیدن بود، از اعداد و ارقام دقیق نظامیان حکایت نمی‌کرد. این ضعف ممکن بود در مواردی که شخص شاه خود بر کار سان دیدن نظارتی نداشت، بیشتر آشکار شود. در عین حال غل و غش نیز در این روش صورت می‌گرفت که باعث پایین آمدن دقت و صحت اعداد حاصله بود؛ چنانکه در دوره‌ی شاه عباس دوم گزارش شده است

که برای بیشتر جلوه دادن سپاهیان، آن‌ها را دو نوبت در معرض سان قرار دادند (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۹۷).

علاوه بر سان دیدن و ثبت تعداد نظامیان، به الگوی دیگری در خصوص برآورد تعداد سپاهیان یا مهاجمان اشاره شده است که این روش نیز نمی‌توانست از دقت لازم برخوردار باشد. نگرستن به سپاهیان خودی یا دشمن از فراز بلندی و برآورد چشمی تعداد آن‌ها، از موارد پرکاربرد در عرصه‌های جنگی بوده است. شاه عباس مکرر از این شیوه بهره می‌برد (منشی، ۱۳۷۷: ۲/۱۱۳۵). اعداد به دست آمده از این شیوه ممکن بود با ارقام واقعی فاصله زیادی داشته باشد، زیرا خطای چشم یا ناتوانی دید ممکن بود اعداد را به شدت جابه‌جا کند؛ چنانکه هنگام درگیری‌های شاه تهماسب با سلطان سلیمان عثمانی، یکی از سرداران شاه تعداد دشمن را از روی گرد و خاک آن‌ها موازی سی هزار نفر برآورد کرد (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۸۲). این شیوه توسط جاسوسان یا اسرا نیز به کار می‌رفت که به دلیل لحاظ نشدن مقیاس‌های دقیق و اتکا بر ارزیابی‌های چشمی احتمال خطای آن بالا بود. واله اصفهانی در مورد یکی از لشکرکشی‌های عثمانی‌ها اشاره می‌کند که تعداد سپاهیان به چهل، پنجاه هزار نفر رسید اما قبل از این «... به انهای منهیان نزد سپهسالار و امرای نامدار به تحقیق پیوسته بود که لشکریان آن سرحد بیشتر از ده، پانزده هزار نفر به شمار نمی‌آید» (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۷۹). قاضی احمد قمی تعداد سپاهیان ازبک را که در سال ۹۳۶ عازم جنگ با ایران بودند از زبان جاسوسان ۱۷۰ هزار نفر ذکر می‌کند (حسینی قمی، ۱۳۸۲: ۲۰۶). وی در جایی دیگر از زبان جاسوسان و افراد محلی تعداد سپاه عثمانی در حمله به ایران در سال ۹۹۴ را موازی ۱۵۰ هزار کس می‌نویسد (همان: ۷۸۲). در مواردی که این ارقام از زبان اسرا گرفته می‌شد، چون ممکن بود تحت شرایط نامساعد روحی و جسمی صورت گرفته باشد، عملاً ضریب خطای اعداد ارائه شده بالا می‌رفت. بر این اساس فقدان شیوه‌های دقیق آمارگیری یا الزاماتی که برآوردهای دقیق را غیرممکن می‌کرد، در زمره‌ی آسیب‌های جدی آمارهای ارائه شده در منابع این دوره است که میزان اعتمادبخشی آن‌ها را کاهش می‌دهد.

۳- عددنگاری‌های مصلحتی و موقعیتی

مصلحت‌بینی و تمایل به توصیفات اغراق‌آمیز از مهم‌ترین مواردی است که صحت آمار و ارقام موجود در منابع این دوره را با خلل جدی مواجه می‌کند و گاهی باعث کمرنگ شدن اعتبار داده‌های مختلف موجود در منابع خواهد شد. به نظر می‌رسد در منابع دوره‌ی صفویه مواردی را بتوان یافت که از این نقیصه به دور نبوده‌اند. از آنجا که منابع این دوره نیز فارغ از چارچوب‌های حاکم نبوده‌اند و ثبت و ضبط موارد دلخواه شاه و حاکمان امری طبیعی می‌نمود، جنبه‌های مصلحتی یا اغراق‌آمیز و در مقاطعی زیاده‌گویی و کم‌گویی نیز در متن این نوشته‌ها رسوخ داشته است. در زمینه‌ی ارائه‌ی آمار و اعداد نیز نمونه‌ها و مدل‌هایی وجود دارند که متأثر از فضای موجود بوده‌اند و از واقع‌نویسی به سمت گزافه‌نویسی یا تقلیل اعداد و ارقام سوق یافته‌اند یا اینکه بر اساس مصلحت موجود از بیان اعداد طفره رفته‌اند و تلاش کرده‌اند موضوع را به شکل دیگری پوشش دهند؛ به عنوان نمونه در خصوص نقش شاه تهماسب در پیشبرد امور مذهبی آمده است: «... به یمن همت و توجه وی و تألیف قلوب، کفار چندین هزار از مردم گرجستان و چرکس به اسلام سرافراز گشتند» (همان: ۵۹۹). البته به نظر می‌رسد کاربرد این شیوه جنبه‌ی همگانی و فراگیر نداشته است و در برخی منابع یا در موقعیت‌های ویژه جنبه‌ی کاربردی می‌یافت. برخی از این موقعیت‌ها در زمان بروز جنگ و ارائه‌ی آمارهای خودی و دشمن دیده می‌شوند؛ چنانکه قاضی احمد قمی تعداد سپاهیان شاه تهماسب برای رویارویی با ازبکان در سال ۹۳۶ قمری را ۱۲۰ هزار نفر ذکر می‌کند (همان: ۲۰۵)؛ در حالی که با مشکلاتی که تهماسب در دهه‌ی آغازین حکومت خود داشت، بعید به نظر می‌رسد که او چنین نیروی عظیمی را تدارک دیده باشد، چون چندین سال پس از این ماجرا شاه صفوی برای مقابله با عثمانی‌ها موفق نشد بیش از هفت هزار نفر گرد خود جمع کند. به کارگیری ادبیات کلی و توصیفی درباره‌ی تعداد سپاهیان خودی برای فضاسازی روانی علیه دشمن صورت می‌گرفت؛ چنانکه افوشته‌ای برای توصیف سپاهیان ایران علیه محمد گرای خان تاتار در دوره‌ی شاه محمد خدابنده، بدون ارائه‌ی رقم، سپاهیان را این‌گونه توصیف می‌کند: «... از اجتماع جماعت، لشکری به هم آمد که تا لشکرکشی انجام بر حصار پنجم سپاه ثوابت و سیار می‌آراید به این کثرت و آراستگی سپاه ندید...» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۰۳).

واژه‌هایی نظیر «سپاهیان» به تعداد ریگ‌های بیابان» ضمن اینکه احتمالاً نشانی از فقدان اطلاعات دقیق یا نسبی از تعداد سپاهیان بود، ممکن بود متوجه ابعاد روانی مسئله نیز باشد تا از این طریق آثار روانی مثبت و روحیه‌بخشی بر سپاهیان خودی و تأثیرات منفی بر روحیه‌ی سپاه دشمن داشته باشد. در یک مورد شاه عباس برای نشان دادن قدرت خود به عبدالمؤمن خان ازبک به او نوشت که چگونه از جانب لشکر از حد و حصر افزون روم که عدد و حساب آن از دراکه‌ی عقل افزون است در معرض خطر بوده است (نوایی، ۱۳۶۶: ۲۳۵). البته مواردی را نیز می‌توان یافت که با اتکا بر اعداد غیرواقعی، هدف مورد نظر جست‌وجو می‌شد؛ یعنی برخی رقم‌ها در خصوص افراد به کار گرفته می‌شد که با منابع دیگر همسویی و همخوانی نداشتند و نشانگر تمایل نویسنده به توصیفات اغراق‌گونه بوده‌اند. افوشته‌ای برای نشان دادن ابهت و عظمت سپاه شاه عباس برای رویارویی با عبدالمؤمن خان ازبک به ارزیابی جاسوسان ازبک اشاره می‌کند:

«...عبدالمؤمن خان با وجود آنکه...آراستگی و کثرت لشکر ظفرینه را شنیده بود خاطرش اطمینان نمی‌پذیرفت تا آن که شخصی که محل اعتبار و محرم جمیع کاروبارش بود در کسوت جاسوسان فرستاد و آن شخص... عدد آن سپاه بحر جوشِ رعد خروش که از صد هزار متجاوز بود تحقیق کرد» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۲۲).

به رغم این عدد و رقم، منابع دیگر اکثراً تعداد سپاهیان شاه عباس در جدال با ازبکان را بین سی تا شصت هزار نوشته‌اند (منشی، ۱۳۷۷: ۲/۹۰۶). یکی از جاهایی که زیاده‌گویی در خصوص آمار سپاهیان خودی یا دشمن به شکل بارزی دیده می‌شود، متن فتح‌نامه‌ها است. از آنجا که چنین نامه‌هایی باید بیش از موارد دیگر اثر روحی و روانی خود را نشان دهند، ظاهراً توصیفات اغراق‌گونه، به خصوص درباره‌ی عملکرد و اقدامات شاه و همچنین اعداد مطرح شده در آن‌ها بود. گزافه‌گویی و زیاده‌نویسی تنها وجه رایج در این نوشته‌ها نبود، بلکه بیان تقلیل‌گونه‌ی اعداد و ارقام نیز می‌توانست برای آمار ارائه شده آسیب‌زا باشد؛ یعنی آنکه منابع یا گاهی فتح‌نامه‌ها برای نشان دادن ارزش معنوی شاه و تأثیر این توانمندی مذهبی در پیروزی‌ها و کامیابی‌ها از ارائه‌ی آمار واقعی طفره می‌رفتند و ضمن بزرگ‌نمایی تعداد دشمنان و مخالفان، عوامل معنوی و شاخصه‌های شاهانه را عامل پیروزی معرفی می‌کردند. به نظر می‌رسد این روش در منابع از کاربرد قابل توجهی

برخوردار بود. وجه ارزشی دادن به غلبه‌ی تعداد کم بر زیاد و کاربرد مکرر آیه‌ی ۲۴۹ سوره‌ی بقره در منابع این دوره، تلاشی است برای القای تأثیر روحی و معنوی شاه در عرصه‌ی نبرد که در مواقع متعدد باعث نابودی و انهدام دشمنان و مخالفان می‌شود (روملو، ۱۳۸۴: ۱۴۷۵ و ۱۵۳۵). در یک مورد شاه تهماسب در نامه‌ی خود خطاب به سلطان سلیمان به نبرد جام اشاره می‌کند و با تکیه بر همین آیه یادآور می‌شود چگونه توانسته است بر ۲۵۰ هزار سپاه ازبک غلبه کند و برای مستند کردن عددنویسی خود، ضمن تکرار همین عدد می‌نویسد: «... مورخان چالاک آن را در دفاتر قلمی کرده‌اند» (نوایی، شاه تهماسب، ۱۳۵۰: ۲۱۱). هر چند ممکن است این گفتارها بخشی از واقعیت‌های موجود را پوشش دهد و چشم‌انداز غیرواقعی نداشته باشد، اما کثرت کاربرد آن و تبدیل آن به یک الگو در نزد منابع، ممکن است خلل جدی را در زمینه‌ی ارائه‌ی ارقام دقیق به دنبال داشته باشد.

۴- اعداد مشخص و نقش نگره‌های مذهبی

رویکردهای مذهبی شاهان صفویه و به تبع آن‌ها مورخان این دوره، وجه غالب در کلیت آثار نوشتاری این عصر است، بنابراین در پیوند با توصیف بسیاری از رویدادها و با اتکا بر چشم‌اندازهای مذهبی، نمونه‌هایی از ارائه‌ی آمار و ارقام نیز در منابع دیده می‌شود که تحت تأثیر این الگو، سمت و سویی خاص یافته است. آنچه بیش از سایر موارد قابل ارائه است، استفاده از ارقام دوازده هزار و هفت هزار است (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۲۰). تعداد سپاهیان و همراهان شاه اسماعیل در هنگام قیام بر عدد هفت هزار متمرکز بود. افوشته‌ای به گرد آمدن نیروهای قزلباش در ارزنجان اشاره می‌کند و می‌نویسد: «... و پروانجات مشتمله بر استحضر منتظران ظهور آن اعلی حضرت که مقدمه‌ی ظهور حضرت صاحب‌الزمان است به هر جانب رفت و عساکر منصوره موازی دوازده هزار نفر موافق آنچه حضرت رسالت پناه خبر داده بود، جمع شدند» (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۸). البته نویسنده در ادامه‌ی رسوخ دادن ذهنیت مذهبی در ارقام نظامی، به جنگ شاه اسماعیل با فرخ یسار شروانشاه اشاره می‌کند و در وصف تعداد نیروهای شروان این گونه می‌نویسد: «... با بیست هزار سوار و پیاده... عدد یزیدیان کربلا... در برابر آمد و جنگ در پیوست» (همان: ۳۸). شاه تهماسب در هنگام رویارویی آغازین خود با سلطان سلیمان عثمانی، هفت هزار

نفر بیشتر به همراه نداشت یا شاه اسماعیل در هنگام جنگ با ذوالقدرها دوازده هزار نفر به یاد دوازده امام وارد عرصه ی جنگ کرد و به جدال با نیروهای سیصد هزار نفری علاءالدوله ذوالقدر برآمد (نوایی، شاه اسماعیل، ۱۳۴۷: ۷۲). بنابراین به نظر می رسد علاقه مندی شاهان صفوی در این عرصه، به ویژه به ذکر عدد دوازده که از یک توجیه مذهبی برخوردار بود، می توانست به شکل مستقیمی برخی از آمار و ارقام ارائه شده در منابع را تحت تأثیر قرار دهد و تا حدودی آن ها را از بیان تعداد دقیق سپاهیان پرهیز دهد؛ مثلاً جنابدی به رغم منابعی مانند منشی که تعداد سپاهیان شاه اسماعیل در جنگ چالدران را بیست هزار نفر نوشته است (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۲)، همچنان به عدد دوازده هزار پای بند است و این تعداد را در مقابل عدد دویست هزار نفر سپاه سلطان سلیم قرار می دهد (همان: ۲۷۸).

در کنار جلوه های مذهبی، ارائه ی آمارهای مشخص نیز همچنان به عنوان یک نقیصه در برخی از منابع این دوره وجود دارد. هر چند فراوانی آن مشهود نیست، اما به نظر می رسد شکل آمار و ارقام بیان شده در برخی منابع خالی از این الگو نباشد که نویسنده به دلیل فقدان اطلاع موثق از اعداد و ارقام یا بی اهمیتی و عدم توجه به برخی اعداد ریز و جنبی، سعی کرده است تنها به اعداد رُند و مشخص، به دور از هرگونه رقم های فرعی، بپردازد؛ مثلاً محمد محسن در ارائه ی آمار تلفات اصفهان در هنگام محاصره به دست افغان ها، تعداد را بدون هرگونه عدد فرعی، هفتصد هزار نوشته است، در حالی که می توان احتمال داد این رقم اندکی بیشتر یا کمتر بوده است (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۸۶). وی در زمان جنگ شاه اسماعیل در کنار قلعه ی فیروزکوه می نویسد: «... چنانچه مشهود است که در (یک روز) هزار چوبه تیر از شست مبارک آن حضرت به جانب مخالفان انداخت» (عالم آرای اسماعیل، ۱۳۸۴: ۱۱۷). مشخص است که این عدد مبنای دقیقی ندارد و کسی متصدی شمارش تیرهای شاه نبوده است، بلکه نویسنده تنها برای نشان دادن عظمت کار شاه عدد هزار را بیان کرده است.

اعتبارسنجی اعداد و ارقام در منابع

با وجود برخی نقیصه‌ها که بخشی از واقعیت‌های موجود در منابع صفویه، حداقل در زمینه‌ی ارقام و اعداد ارائه شده را تشکیل می‌دهد، باید گفت که در کنار این وجوه سلبی و اعتبارسوز، در ابعاد ایجابی نیز می‌توان دریچه‌ی دیگری را به روی منابع این دوره گشود که نشان می‌دهد وجه غالب اعداد ارائه شده از چشم‌انداز تعادل و تناسب مطلوب و قابل قبولی برخوردار هستند و با وجود سفارشی بودن این نوشته‌ها می‌توان به این نکته توجه کرد که ادبیات نوشتاری برخی از مورخان این دوره، به شکلی است که ضمن اخلاق‌مداری در جنبه‌های توصیفی، به گونه‌ای سعی داشته‌اند پابندی خود را به اصول و معیارهای تاریخ‌نگاری نشان دهند و داده‌های رقمی خود را مبتنی بر واقعیات موجود و به دور از گزافه‌گویی و اغراق‌های معمول تنظیم کنند. در ادامه به برخی از این مصداق‌ها که حاکی از دقت نظر نویسندگان این دوره هستند، اشاره می‌کنیم:

۱- دقت نظر و تلاش در مستندنگاری

به نظر می‌رسد برخی از منابع اصیل دوره‌ی صفویه در کنار کوششی که برای جلب اعتماد خوانندگان خود نسبت به اطلاعات ارائه شده کرده‌اند، در ارائه‌ی اعداد و ارقام نیز از دغدغه‌های مستندنگاری فارغ نبوده‌اند. در نگرش کلی به برخی از این منابع می‌توان به یک صورت‌بندی نسبی در کاربرد اعداد دست یافت که چنین شیوه‌ای حکایت از پابندی نویسنده به نشان دادن آمارهای واقعی و در عین حال ارائه‌ی یک وجه تفکیکی بین اعداد قابل اعتماد و غیرقابل اعتماد دارد. یکی از مهم‌ترین الگوهایی که در برخی از منابع وجود دارد و به گونه‌ای پرهیز نویسندگان را از گزافه‌نویسی و ناهنجارگویی عددی نشان می‌دهد، کاربرد واژه‌هایی مانند تقریب، حدود و... در کنار اعداد و ارقام ارائه شده است. به کارگیری چنین عباراتی از طرف نویسندگان نشان‌دهنده‌ی این است که آن‌ها دسترسی مستقیم و متناسبی به اعداد دقیق و درست نداشته‌اند و با این شکل از گفتار، ذهن خواننده را به قطعی نبودن آمارهای ارائه شده معطوف می‌کنند و با این کار گونه‌ای از صداقت گفتاری خود را به رخ می‌کشند. شاید در این میان بتوان اسکندر بیگ منشی را به عنوان یک مصداق برتر معرفی کرد که در بیشتر موارد زمانی که دسترسی مستقیمی به اعداد نداشت، از این عبارات بهره برده است (منشی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۱۳- ۱۰۹ و ۱۲۰). البته به نظر می‌رسد واژه‌های

تقریبی در کنار اعداد بزرگ از کاربرد بیشتری برخوردار بود و در بیان برخی شمارگان محدود و کم‌اثر به شکل مستقیم و حتی بدون اشاره به مرجع خبر، تعداد عوامل و عناصر ذکر می‌شد. احتمالاً سهولت ارزیابی و شمارش گروه‌های کوچک‌تر و شاید هم تأثیر کم عملکرد آن‌ها مجوزی برای نویسندگان فراهم می‌کرد که کمتر به حدود و تقریب متوسل شوند؛ به عنوان نمونه نویسنده‌ی **جواهرالخبار** هنگامی که تعدادی از تکلوها در فرار از نزد شاه تهماسب به سوی بغداد عزیمت کردند، در بغداد حضور داشت و تعداد آن‌ها را این‌گونه نوشت: «... و طایفه‌ی تکلو چون به بغداد آمدند محمد خان ایشان را در شهر جا نداد که از جانب نواب اعلیٰ روگردان شده آمده‌اند. مؤلف این نسخه در خدمت خان بودم بیرون رفتم و تمامی‌را به قلم گرفتم، هزار و هشتصد بودند» (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). اینکه آمارهای بزرگ سپاهی که گاه دسترسی به تعداد آن‌ها نیز ممکن بود برای مورخان اندکی دشوار باشد، عامل مؤثری بود تا مورخان برای پرهیز از سست شدن پایه‌های اطلاعاتی خود، با واژه‌های نسبی، خواننده را به نامطمئن بودن آمار ارائه شده ارجاع دهند. شیوه‌ی دیگری که می‌تواند باعث ایجاد اعتماد نسبت به منابع شود، اشاره‌ی مستقیم آن‌ها به منبع و مرجع خبری است. یکی از نویسندگان برای تصدیق آماری که در مورد نبرد جام ارائه می‌دهد، نوشته است: «سپاهیان شاه به نقل از مردم اعتباری زیاده از سی هزار نبوده و مخالفان بی‌قیل صد هزار بیشتر بودند (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۰۱). منشی به شیوه‌ی بهتری دقت خود را نسبت به اعداد و ارقام نشان می‌دهد و در توصیف نبرد جام می‌نویسد: «... عدد آن گروه در هیچ نسخه که اعتماد را شاید به نظر کمترین نرسیده، میر یحیی سیفی در *لب التواریخ* یکصد و بیست هزار نوشته است؛ اما بین‌الجمهور مشهور است که جنود ازبکیه... هشتاد هزار بهادر چیده کاری بودند» (منشی، ۱۳۷۷، ۱/ ۹۰). در جای دیگری در مورد تعداد تلفات قتل عام طیس توسط شاه اسماعیل عدد هفت هزار را به نقل از *احسن التواریخ* ذکر می‌کند (همان: ۵۲). این اشاره در مواردی که ذکر آمار دقیق اهمیت بیشتری داشت، آشکارا دیده می‌شود؛ مثلاً محمد محسن برای نشان دادن صحت آمار خود از تلفات اصفهان می‌نویسد: «... این فقیر بی‌بضاعت به موجب این دفتر از ابتدای محاصره، خود در اصفهان عامل دیوان بوده است» (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۸۵). بیان تعداد کشته شدگان دشمن یا تعداد اسرای آن‌ها چون به صورت مستقیم مورد شمارش قرار می‌گرفتند و گاهی برای

تعداد سرهایی که از دشمن آورده می‌شد هدایایی تعلق می‌گرفت، ظاهراً با حساسیت قابل توجهی ذکر می‌شد؛ چنانکه روملو در زمینه‌ی یکی از برخوردهای دوره‌ی تهماسب با عثمانی‌ها، با دقت تعداد کشته‌ها را می‌نویسد: «در آن رزمگاه از رومیان کینه‌خواه دو هزار و هفتاد و شش نفر به قتل آمدند» (روملو، ۱۳۸۴: ۱۳۷۲). در جای دیگری ملاجلال در مورد تعداد سرهای دشمن با ذکر جزئیات می‌نویسد: «... تفصیل سرها و آورنده بدین نوع است، جماعت قورچیان چهارصد و پنجاه سر، جماعت غلامان ششصد سر، جماعت مقدم شانزده سر، ملازمان پنجاه و شش سر، جماعت شاهسون دویست و دو سر و...» (منجم، ۱۳۶۶: ۲۵۸).

۲- انطباق آمار با ظرفیت‌های عینی

از دیگر علائمی که می‌تواند اطمینان خواننده را به آمار و ارقام موجود در منابع جلب کند، انطباق بخش مهمی از آن‌ها با واقعیت‌های زمانی و مکانی است. هر چند آمار مستقیمی از جمعیت موجود جامعه‌ی آن روز ایران به صورت کتبی وجود ندارد و پراکندگی همان تعداد در چارچوب جغرافیایی ایران نیز مشخص نیست، اما منطبق با برخی آمارهای تخمینی سفرنامه‌نویسان اروپایی، باید به این نکته اذعان داشت که تعداد سپاهیان حاضر در اردوکشی‌های عمده یا جابه‌جایی‌های جمعیتی چندان دور از واقعیت‌های موجود نبوده است. حدود تقریبی جمعیت ایران در آن دوره هشت تا ده میلیون نفر بیان شده است. با احتساب این تعداد نمی‌توان انتظار داشت که اردوکشی‌های نظامی با ارقام بیشتر از میلیون انجام پذیرند و به همین دلیل در نوشته‌های این دوره چنین رویکرد گزارف گونه‌ای دیده نمی‌شود و ارقام تا صد تا صد و بیست هزار نفر برای سپاهیان صفویه پیش رفته‌اند (دلاواله، ۱۳۸۰: ۷۷۰؛ فلور، ۱۳۸۸: ۱۸۰). فقدان چنین گزارش‌نویسی آماری نشان‌دهنده‌ی نوعی انطباق آماری با موجودی جمعیت کشوری است. از طرف دیگر ارقام ذکر شده با ظرفیت‌های غذایی و وسایل حمل و نقل و امکانات جاده‌ای، گونه‌ای انطباق را نشان می‌دهد. تحلیلی که شاه تهماسب به تفصیل در خصوص تعداد سپاهیان سلطان سلیمان و میزان مصارف غذایی نظامیان و چارپایان آن‌ها ارائه داده است، به خوبی نشان می‌دهد که این تناسب مورد توجه قرار داشته است و مانع از بیان اعداد و ارقام دیرباور بوده است (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۶۷). اعداد ارائه شده نشان می‌دهند که در هنگام حرکت این سپاه یا در زمان استقرار، امکان

تغذیه‌ی آن‌ها یا تدارک محل اسکان برای آن‌ها با دشواری زیادی همراه نبوده است. مسیرهای لشکرکشی و طول سفر نیز با نگرش‌های عقلی هماهنگی دارند؛ به عنوان نمونه تعداد سپاهیان شاه عباس در سفر جنگی بلخ در سال ۱۰۱۱ توسط منشی ذکر شده است (منشی، ۱۳۷۷، ۲/ ۱۰۰۰). این رقم با موقعیت جغرافیایی، امکانات طول مسیر و استعداد نظامی موجود در دوره‌ی شاه عباس همسو است؛ در حالی که منشی می‌توانست برای نشان دادن ابهت شاه عباس به گزافه‌نویسی روی آورد..

۳- شواهد و قراین در نزد همسایگان

در برخی توصیفات محدود آماری تعدادی از منابع بیرون از مرزهای ایران، می‌توان نوعی همسانی و هم‌پوشانی آمار و ارقام را دید. این رقم‌نگاری‌ها هر چند کمرنگ و کمیاب هستند، اما می‌توان از طریق آن‌ها به نوعی وثوق نسبی دست یافت و اذعان داشت که اختلاف و تمایز بارزی بین اعداد ذکر شده در منابع داخلی و ارقام مطرح شده در این منابع وجود ندارد. فقدان این تضاد می‌تواند گونه‌ای از اعتماد را در خواننده ایجاد کند که ارقام ارائه شده در منابع دوره‌ی صفویه چندان به بیراهه نرفته‌اند و تا حد امکان از غلو و گزافه‌گویی دور بوده‌اند. بعضی از منابع ایرانی درباره‌ی تعداد سپاهیان سلطان سلیم هنگام حمله به ایران ارقام تا دویست هزار نفر را ذکر کرده‌اند (پارسادوست، ۱۳۸۱: ۴۰۶ و ۴۳۷) و در نوشته‌های مربوط به تاریخ عثمانی نیز این رقم بیشتر ۱۴۰ هزار نفر ذکر شده است (اوزون چارشلی، ۱۳۷۰: ۲۸۳؛ پورگشتال، ۱۳۸۷: ۸۲۴). این تطابق نسبی گواهی بر تناسب و تعادل عددنویسی در منابع دوره‌ی صفویه است. منابع صفوی تعداد سپاهیان ازبک در نبرد جام را بین هشتاد تا ۱۲۰ هزار نفر و تعداد نیروهای ایران را حدود چهل هزار نفر بیان کرده‌اند. این ارقام در تاریخ الفی نیز مورد تأیید قرار گرفته‌اند (تتوی، ۱۳۷۸: ۴۴۷).

۴- نگاه مقایسه‌ای به ارقام

الگوی تطبیقی داده‌های آماری منابع در خصوص برخی رویدادهای مهم نیز یکی از معیارهای مناسبی است که نشان می‌دهد اعداد ارائه شده چندان بی‌دلیل و به دور از نگرش‌های عقلی و عینی نبوده‌اند. جدول زیر برخی از رویدادهای مهم دوره‌ی شاه اسماعیل را در پیوند با اعداد نشان می‌دهد. در این جدول می‌توان به شکل مقایسه‌ای اعداد و ارقام منابع در خصوص چند جنگ را

مقایسه کرد. دقت در اعداد زیر به خوبی نشان می‌دهد که بین شمارگان ارائه شده در مورد تعداد سپاهیان یا تلفات نظامی تفاوت و تمایز معناداری وجود ندارد. تقریباً در تمامی اعداد موردی به دست نمی‌آید که فاصله‌ی رقمی آن جنبه‌ی گزافه و افراط پیدا کند. از شش منبعی که برخی آمار مربوط به جنگ شرو را پوشش داده‌اند درمی‌یابیم که فقط رقم تلفات دارای تفاوت است و مابقی ارقام عدد مشابهی را ارائه می‌دهند. در خصوص جنگ همدان این همسانی از فراوانی بیشتری برخوردار است. درباره‌ی جنگ چالدران نیز فقط در زمینه‌ی تعداد نیروهای شاه اسماعیل تفاوت اندکی دیده می‌شود. با این جدول مقایسه‌ای می‌توان این فرض را تقویت کرد که در ارائه‌ی آمارهای نظامی جنبه‌ی گزافه‌گویی منابع چندان زیاد نیست.

جدول مقایسه‌ای آمار جنگ‌های شرو، همدان، مرو و چالدران در دوره‌ی شاه‌اسماعیل اول

تلفات	نیروهای دشمن	نیروهای صفویه	نام رویداد	عنوان کتاب	نویسنده
بی‌شمار	۳۰۰۰۰	۷۰۰۰	نبرد شرو	عالم آرای عباسی	منشی ج ۱ ص ۴۷
۱۸۰۰۰	۳۰۰۰۰	ندارد	همان	عالم آرای شاه اسماعیل	ناشناس ص ۵۹
ندارد	۳۰۰۰۰	۷۰۰۰	همان	خلد برین	واله اصفهانی ص ۱۱۷
۸۰۰۰	ندارد	ندارد	همان	تکمله الاخبار	عبدی بیک ص ۳۸
۸۰۰۰	۳۰۰۰۰	ندارد	همان	زبده التواریخ	مستوفی ص ۴۸
ندارد	۳۰۰۰۰	۷۰۰۰	همان	احسن التواریخ	روملو ص ۹۷۳
۱۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	ندارد	نبرد همدان	تکمله الاخبار	عبدی بیک ص ۴۱
ندارد	۷۰۰۰۰	ندارد	همان	انقلاب الاسلام	اسپناچی ص ۵۰
ندارد	۷۰۰۰۰	۱۲۰۰۰	همان	تاریخ جهان آرا	غفاری قزوینی ص ۲۸
ندارد	۷۰۰۰۰	ندارد	همان	فتوحات شاهی	امینی هروی، ص ۱۸۶

ندارد	۷۰۰۰۰	ندارد	همان	احسن التواریخ	روملو ص ۹۸۱
ندارد	۷۰۰۰۰	ندارد	همان	حبيب السیر	خواند میر ص ۴۷۰
۱۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۱۲۰۰۰	همان	جواهر الاخبار	منشی بوداق ص ۱۲۰
ندارد	۷۰۰۰۰	۱۲۰۰۰	همان	عالم آرای عباسی	منشی ج ۱ ص ۴۸
۱۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	ندارد	همان		جنابدی ص ۱۶۲
۱۰۰۰۰	بی شمار	۱۲۰۰۰	همان	تاریخ ایلچی	قبادالحسینی، ص ۲۰
ندارد	۷۰۰۰۰		همان	فتوحات شاهی	امینی هروی، ص ۱۸۶
ندارد	۳۰۰۰۰	۱۷۰۰۰	جنگ مرو	تاریخ عالم آرای عباسی	منشی ج ۱ ص ۶۳
۱۰۰۰۰	ندارد	ندارد	همان	تاریخ ایلچی	قباد الحسینی، ص ۵۳
ندارد	ندارد	۱۵۰۰۰	همان	تکمله الاخبار	عبدی بیک ص ۴۹
ندارد	۱۵۰۰۰	ندارد	همان		جنابدی ص ۲۴۲
۱۰۰۰۰	ندارد	ندارد	همان	خلد برین	واله اصفهانی ۱۹۶
۱۰۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۰۰۰۰	همان	جواهر الاخبار	منشی بوداق ص ۱۲۷
۵۰۰۰	نامعدود	۲۰۰۰۰	جنگ چالدران	تاریخ عالم آرای عباسی	منشی ج ۱ ص ۷۲
	۲۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰	همان		جنابدی ص ۲۸۷
		۲۴۰۰۰	همان		سفرنامه ونیزیان ص ۲۷۶
۵۰۰۰	۲۰۰۰۰۰		همان	احسن التواریخ	روملو ص ۱۰۸۲
	۲۰۰۰۰۰	ندارد	همان	خلاصه التواریخ	حسینی قمی ص ۱۲۹

نتیجه گیری

در میان حجم انبوه داده های تاریخی که به شکل سنتی بیشتر بر موضوعات سیاسی و نظامی تمرکز داشته اند، بخش قابل توجهی از مطالب این منابع بر ارائه ی آمار و ارقام متمرکز بوده اند. داده های

آماري در منابع از روند يكساني برخوردار نيستند. به تناسب نگرش نويسنده و شرايط سياسي و اجتماعي، ميزان و نوع اين اعداد در فراز و فرود بوده است؛ ضمن اينكه بنا بر سلايق صاحبان قدرت و تعلقات تنظيم‌كنندگان متون تاريخي، كميت اعداد دستخوش تغييراتي جدي مي‌شد. از طرف ديگر به تناسب موضوعيت كتاب، نوع اعداد ارائه شده سمت و سوي خاص خود را مي‌يافت. چنانچه فضاي غالب تحت تأثير شرايط نظامي قرار داشت، بيشتر اعداد و ارقام به سوي آمارهاي نظامي تغيير جهت مي‌دادند و در مواردی كه موضوع بررسي و توصيف الگوهاي اداري و مالي بود، اعداد بيشتر شامل بن‌مايه‌ي مالي و امور محاسباتي مي‌شدند. با توجه به اين روند، منابع تاريخ‌نگاري دوره‌ي صفويه نيز از اين قاعده مستثنا نبوده‌اند و در جنب داده‌هاي متنوع اين منابع، آمار و ارقام، به‌ويژه در قالب‌هاي نظامي، بخشي از موجودي آنها را شامل مي‌شد. بر اساس آنچه در اين نوشتار مطرح كرديم، آمار و ارقام ارائه شده در منابع، جلوه‌اي دوگانه را ارائه مي‌دهند. از يك سو برخي شواهد و قراین نشان مي‌دهند اين ارقام و اعداد با برخي واقعيتهای زمان خود فاصله دارند و نقايص و ضعف‌هایی در آنها ديده مي‌شود. به دلایل عمده‌ای نظیر فرمان‌پذیری مورخان از دستورهای سلطنتی، فقدان نظام قابل اعتماد در مورد سرشماری یا آمارگیری، پدیده‌ی اغراق به عنوان یک اصل مبنایی در سنت تاریخ‌نویسی، کم‌نویسی یا زیاده‌نویسی مبتنی بر شرایط، مورد اطمینان نبودن گزاره‌های خبری و بی‌اطلاعی از اهمیت آمار و ارقام در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت، نمی‌توان به اعداد موجود در منابع با اعتماد کامل نگریست و آنها را در این خصوص خالی از عیب و نقص دانست. در کنار این چشم‌انداز ناامیدکننده، باید گفت که مطالب ارائه شده‌ی آماری در منابع این دوره سراسر نامطمئن نیستند و می‌توان به بخشی از این داده‌ها با نگاهی اعتماد‌آمیز نگریست. به بیان دیگر، برخي شواهد و قراین گواهانی هستند بر مورد اعتماد بودن برخي از رقم‌های ذکر شده که حاکی از دقت نظر نويسندگان آن دوره هستند. همخوانی اعداد با واقعيتهای محیطی و جغرافیایی، به‌ويژه درباره‌ی جنگ‌ها، تطبيق اعداد با استعداد و توانمندی‌های مادی و معنوی صفویان، اشاره منابع به مراجع خبری خود و وسواسی که در خصوص گزارش‌های دریافتی از خود نشان داده‌اند، دلایلی هستند که نشان می‌دهند با یک

نگاه نقادانه می‌توان به بخشی از آمار و ارقام موجود در منابع تاریخ‌نگاری دوره صفویه با اعتماد نگرست.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۸۵). *مقدمه*. ترجمه‌ی پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف. (۱۳۷۹). *انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام*. تصحیح رسول جعفریان. قم: دلیل.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود. (۱۳۷۳). *نقاوه الآثار*. تصحیح احسان اشراقی. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- امینی هروی، صدرالدین ابراهیم. (۱۳۸۳). *فتوحات شاه‌ی*. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن مفاخر فرهنگی.
- اوزون چارشلی. (۱۳۷۰). *تاریخ عثمانی*. ج ۲. ترجمه‌ی وهاب ولی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- بلعی، ابوعلی. (۱۳۸۰). *تاریخ بلعی*. تصحیح محمد تقی بهار. تهران: زوار.
- پارسادوست، منوچهر. (۱۳۸۱). *شاه اسماعیل*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پورگشتال، هامر. (۱۳۸۷). *تاریخ امپراطوری عثمانی*. ج ۲. ترجمه‌ی میرزا علی زکی آبادی. به کوشش جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- تتوی، قاضی احمد. (۱۳۷۸). *تاریخ الفی*. به کوشش سید علی آل داود. تهران: فکر روز.
- جنابدی، میرزا بیگ. (۱۳۷۸). *روضه الصفویه*. تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی. تهران: موقوفات افشار.
- حسینی قمی، قاضی احمد. (۱۳۸۳). *خلاصه‌التواریخ*. ج ۱. تصحیح احسان اشراقی. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- خواند میر، امیرمحمود. (۱۳۷۰). *ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی*. تصحیح غلامرضا طباطبایی. تهران: موقوفات افشار.

- خواند میر، غیاث الدین حسینی. (۱۳۶۲). *حبیب‌السیر*. ج ۴. تصحیح محمد دبیر سیاقی. ج ۳. تهران: خیام.
- دلاواله، پیتر و. (۱۳۸۰). *سفرنامه*. ترجمه‌ی محمود بهفروزی. تهران: قطره.
- روملو، حسن بیگ. (۱۳۸۴). *احسن‌التواریخ*. تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲. تهران: اساطیر.
- سوانح‌نگار تفرشی، ابوالمفاخر. (۱۳۸۸). *تاریخ شاه صفی*. تصحیح محسن بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.
- شاردن. (۱۳۷۴). *سفرنامه*. ج ۳. تصحیح اقبال یغمایی. تهران: توس.
- [بی‌نا]. (۱۳۸۴). *عالم آرای شاه اسماعیل*. تصحیح اصغر منتظر صاحب. ج ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- عبدی بیگ شیرازی، خواجه زین‌الدین. (۱۳۶۹). *تکمله‌الخبار*. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: نشر نی.
- فلور، ویلم. (۱۳۸۸). *دیوان و قشون در عصر صفوی*. ترجمه‌ی کاظم فیروزمند. تهران: آگه.
- قبادالحسینی، خورشاه بن. (۱۳۷۹). *تاریخ ایلچی نظام شاه*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مستوفی محمد محسن. (۱۳۷۵). *زبده‌التواریخ*. تصحیح بهروز گودرزی. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- منجم، ملا جلال. (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی*. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.
- منشی، اسکندر بیگ. (۱۳۷۷). *عالم آرای عباسی*. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- منشی قزوینی، بوداق. (۱۳۷۸). *جواهرالخبار*. تصحیح محسن بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۴۷). *شاه اسماعیل*. اسناد و مکاتبات تاریخی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۵۰). *شاه تهماسب*. مجموعه‌ی اسناد و مکاتبات تاریخی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۶). **شاه عباس**. ج ۱. مجموعه‌ی اسناد و مکاتبات تاریخی. چ ۲. تهران: زرین.
- واله اصفهانی، محمد یوسف. (۱۳۸۲). **ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم**. تصحیح محمد رضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- واله اصفهانی، محمد یوسف. (۱۳۷۲). **خلدبرین**. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: موقوفات افشار.
- وحید قزوینی، محمد طاهر. (۱۳۲۹). **عباسنامه**. تصحیح ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داوودی.
- یعقوبی، ابن واضح. (۱۳۷۱). **تاریخ یعقوبی**. چ ۶. ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.